

• ج 15- موضوع: رمز رسیدن به ولایت به معنای اطاعت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله اللهم كن لوليک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و على آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.

هدیه به پیشگاه با عظمتش و تعجیل در ظهورش و سلامتی وجود عزیزش از هر گزندی و این که انشاءالله خداوند ما را از بهترین و سربازانش قرار دهد صلواتی را ختم کنید.

مطابق روزهای گذشته یاد می کنیم از گذشتگان و شهیدان و عزیزانی که جدیداً از بین ما رفتند؛ پدران ما و مادران و اجداد ما و کسانی که دین خدا را حفظ کردند و به ما رساندند ما هم اظهار ادب می کنیم و انشاءالله که روحشان شاد شود به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

ما نسبت به اهل بیت باید پنج رابطه داشته باشیم اول شناخت اهل بیت است

اول این که ما اهل بیت را بشناسیم و بعد از شناخت، محبت است

بسیاری وقتها شناخت که بیاید محبت هم می آید

مرحله بعد مودت است یعنی اظهار محبت

و مرحله چهارم پذیرش ولایت آنها

یعنی این که انسان، اهل بیت را به عنوان ولی خدا بشناسند؛ اشهد ان علیا ولی الله؛

اهل سنت بسیاری از آنها تا مرحله ولایت را قبول دارند و به ولایت که می رسند کم می آورند.

مرحله پنجم ولایت به معنای اطاعت؛

ممکن است کسی بگوید اشهد ان علیا حجة الله و اشهد ان علیا ولی الله و قبول هم داشته باشد اما در عمل کم بیاورد.

آن جایی که اهل بیت حضور دارند او حضور ندارد؛ و آن جایی که اهل بیت نیستند او هست.

این پنج رابطه را روزهای گذشته من توضیح دادم و مطالب دیگری هم بیان شد؛ انشاءالله که در خاطره ها بماند.

نکته ای را که امروز می خواهم عرض کنم و بحث را تمام کنم این است که گاهی برای انسان سوال پیش می آید که همه دوست دارند خوب باشند و واجبات را انجام دهند و گناهان را ترک کنند اما چرا نمی شود؟ چرا ما گاهی وقتها در صحنه ها کم می آوریم و واجب را انجام نمیدهیم و ... راه چاره چیست؟

بحث بسیار مفصلی در این جا هست اما در حد چند دقیقه ای که من محضرتان هستم بیان می کنم

• سه راهکار دوری از معاصی

علمای اخلاق می گویند اگر انسان بخواهد در اطاعت از اهل بیت کم نیاورد باید سه کار را انجام دهد؛ این سه کاری که امروز می گویم مثل کبریت احمر است؛ بسیار ارزشمند است انشاالله که به حافظه می سپارید و به دیگران هم منتقل می کنید.

یک: مراقبت در روز

دو: محاسبه در شب

سه: تفکر

و من هر کدام را چهار پنج دقیقه ای توضیح میدهم

ولو این که هر کدام از این ها کسی بخواهد بحث کند، میتواند ساعتها و جلسات طولانی هم بحث کند هم این که اگر اهل تالیف باشد، کتاب بنویسد.

سه موضوعی که برای تحقیق و برای رساله دکتری هم می تواند موضوع بسیار زیبایی باشد

• اولین مطلب ؛ مراقبت در روز

انسان از لحظه ای که بیدار می شود تا مدتی که بیدار است چهار ده ساعت یا پانزده ساعت انسان باید مراقب باشد در یک روایت عجیبی است : المومن مُلجَم؛ به این معنا که انسانی که ولایت اهل بیت را قبول دارد ،لجام دارد.

معذرت می خواهم این حیوان را دیدید آن را لجام می کنند؟ این حیوان وقتی لگام زده می شود به این معنی است که تحت کنترل باشد . انسان مومن هم ملجم است یعنی لگام زده شده است ؛ در روایت است که مومن این طوری است؛ مومن ممکن است یک حرفی تا سر زبانش بیاید، اما قطع کند وبگوید: فلانیو حرف را ادامه ندهد به دلیل این که ممکن است غیبت یا تهمت باشد و...

• بزرگان و مراقبت از اعمال

میرزای بزرگ نقل می کنند که برود خرید انجام بدهد دست به جیب خودش برد که پول را به فروشنده بدهد، که دید پولش را زدند! آمد بگوید که خدا لعنتش کند کسی که این کار را انجام داده است و فلان ولی تا به حرف عین لعنت رسید و گفت خدا لع....ساکت شد و ادامه نداد.

بعدا گفته بود که من میخوام بگویم خدا لعنتش کند که پول مرا برداشت بعدا به خودم گفتم شاید زن و فرزند او احتیاج شدید داشته و لذا ادامه ندادم ..

این داستان نشانه مراقبت بزرگان بوده که در طول روز مراقب کارهای خود بوده اند .

باز یک عالم دیگری است مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا گاهی وقتها می شود به خودش می گفت : حضرت آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء (لقبی که مردم به او می گفتند او به خود می گفت)یادت باشد که تو روزی جعifer بودی و بعد آمدی طلبه شدی و گفتند جعفر و یک مقدار درس خواندی و شدی شیخ جعفر و بعدهم حجت الاسلام و المسلمین و بعد هم آیت الله ... و فراموش نکن که تو همان جعifer سابقی...

این یعنی مراقبت و جلوه ای از آن؛ و نیاز نیست که حتما در طول روز باشد. شب هم انسان باید مراقب باشد.

چند بار شده که ما بخواهیم یک جمله ای را شروع کنیم و بعد ناتمام بگذاریم و طرف مقابل منتظر بقیه جمله ما باشد و ما ادامه ندهیم. بحث این است که اگر تاکنون پیش نیامده است معلوم است که مراقب نیستیم اما اگر نه واقعا آدم یک مسیری می خواهد برود احساس کند این مسیر شرعی نیست دست بردارد این نشان از مراقبت دارد و گاهی به زنگ می زنند و می گویند فلان کار درست است من انجام میدهم یا نه ؟ اگر کارش درست باشد به او می گویم انجام بده و اگر صحیح نباشد می گویم ادامه نده .

انسان باید مراقب باشد در هر حال اگر مسئولیت دارد که وامصیبت؛ در واقع مسئولیت او چند برابر و مراقبت او هم باید چند برابر باشد.

معرکه است که چنین شخصی چقدر باید مراقب باشد. لذا عالمان اخلاق و ائمه ما ما را دعوت کردند به مراقبت.

• دوم : محاسبه در شب ؛

نمیدانم شما قبل از خواب چه کار می کنید و چه کار می کنیم؟ آیا آنقدر خودمان خودمان را خسته می کنیم و این گوشی ها را هم دست می گیریم و این برنامه و آن برنامه تا این که نهایتا خوابمان ببرد...!!گوشی هم از دستان می افتد...و....صبح هم که بیدار می شوند باز این گوشی ها را بر میدارند تا ببینند در این فاصله که خواب بودند چه اتفاقاتی افتاده است. اما کسانی که زرنگند قبل از این که بخوابند عمل بسیار ساده دارند نه وضو می خواهند نه قبله می خواهند نه کمر درد و پادرد داشته باشد مانع است این کار با همه این مسائل می سازد که بپاید و محاسبه کند و بگوید من 24 ساعت عمرم گذشت. از دیشب تا الان تا امشب و من این بیست و چهار ساعت چه کار کردم . ما یک محاسبه دقیقی در پیش داریم خدای متعال ممکن است خیلی ببخشد که می بخشد اما در حسابش بسیار دقیق است.

ما فکر می کنیم چون خدا بنای بخشش دارد در حسابش هم صرف نظر می کند خداوند سریع الحساب هست اما در حسابش دقیق است و همه چیز حساب است و روز قیامت ما چنین حسابی داریم پس ما خودمان هم حساب کارها و اعمالمان را داشته باشیم و بگوییم ما بیست و چهار ساعت از عمرمان گذشت؛ به قول امام علی علیه السلام یک برگی از دفتر عمرمان کنده شد و جالب این است که این برگی که از دفتر عمرمان کنده شود اگر تمام صحافهای عالم جمع شوند و تمام چسبهای عالم را هم بیاورند این برگ به این دفتر نمی چسبد. اگر کسی گفت کدام دفتر هست که اگر برگی از آن کنده شود دیگر نمی چسبد؟ باید گفت: دفتر عمر.

همه عالم هم جمع شوند این را نمیتوانند برگردانند و بچسبانند ما اگر نودسال عمر کنیم حدود سی هزار صفحه این دفتر عمر ما برگ دارد هر روز که می گذرد یک برگی از آن کنده می شود و میرود و دست ما هم نیست ما هم بیاییم و بگوییم این برگی که کنده شد من چه کار کردم اگر خطا کرده ام توبه کنم.

ما در روایات داریم بنده به محض این که نیت کار خیر کند ، فرشته ها می نویسند.

ولی اگر گناه کند خداوند می گوید دست نگه دارید بگذارید ببینیم تا شب چه کار می کند اگر تا شب توبه کرد، ننویسد و اگر توبه نکرد بعد بنویسد تا بعد ببینیم چه می شود. اگر انسان کار خیری انجام داده نمازی رفته کمک به کسی کرده یا سوالی جواب داده خدا را از بابت این توفیقات شکر کند و بگوید خدایا روز بعد هم توفیق ادامه این کارهای خیر را به من بده که از امروز عقب تر نباشم.

اما اگر دروغ گفته یا خدای ناکرده نگاه به نامحرم کرده و یا غیبت کسی را کرده توبه کند و بگوید خدایا من اشتباه کردم البته اگر حق الناس باشد و بتواند آنرا برگرداند ، باید آن را برگرداند و باید جبران کند. گاهی اوقات حق الناس مالی است که می تواند برگرداند مالی از کسی نزدش هست یا بدهکار استاما گاه حق الناس عرضی است اگر بتواند او را راضی کند به او بگوید اما گاهی اوقات که بخواهد طرف را راضی کند و بخواهد که به او بگوید فتنه می شود.

اینجا از خدا بخواهد خدایا تو او را روز قیامت از دست من راضی کن.

اگر عروسی پشت سر مادر شوهر حرفی زده یا برادر پشت سر برادر حرفی زده است. نمیتواند بگوید چه گفته راه حل همین است اگر انسان به این نسخه عمل کند و مراقب باشد واقعا زندگی انسان نورانی می شود و متحول می شود.

ممکن است روز اول و دوم جواب ندهد ولی قطعاً جواب میدهد در دراز مدت و زندگی را متحول می کند .

ممکن است کسی سوال کند چه کار کنیم که زندگی بزرگان را و توفیقات آنان را داشته باشیم راه همین است ؛ مراقبت در روز و محاسبه در شب.

باز این هم خود یک وادی است که بحث زیادی می خواهد و کسی یک کتابی بنویسد و در حدیث هست : حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا ...

خودتان به حساب خودتان برسید قبل از این که به حسابتان برسند. انسان باید به حساب و کتاب خودش برسد.

اگر مواظب و مراقب نباشیم این نامه عمل پر از اعمال و خلافهای گوناگون میشود.

• وسوم: تفکر

رسول خدا فرمودند: فکر ساعة خیر من عبادة سنة

یک لحظه تفکر از یک سال عبادت بالاتر است.

برخی نوشتند شصت سال و یا هفتاد سال که این ها درست نیست اما صحیح آن این عبارت و این حدیث است

و برخی ها دیدم که می گویند ثوابش بیشتر است؛ بحث ثوابش نیست و رسول خدا هم فرمودند که ثوابش بیشتر است بلکه فرمودند بهتر است.

امروز دوازدهم تیرماه 1404 هست فرض کنید کسی رختخواب را بردارد و بیاید در این حسینیه امام حسن مجتبی علیه السلام از هیات امنا هم اجازه بگیرد و بگوید من می خواهم یک سال می خواهم این جا باشم و عبادت کنم و هیچ کاری غیر عبادت هم نکنم از دوازده تیر 1404 تا دوازده تیر 1405 و عبادت کند و روزها نماز بخواند و عبادت کند و روزه بگیرد و شبها هم عبادت کند. باز این لحظه تفکر از این یک سال عبادت نماز خواندن و دعا کردن و قران خواندن بالاتر است.

ساعت هم که در بیان پیامبر گفته شده، نه این یک ساعت معمول ما بلکه حتی یک لحظه هم در روایات تعبیر به ساعت شده است و خلاصه این که حتی یک لحظه تفکر از یک سال عبادت به این شکلی که شخص فقط روزه بگیرد و نماز و قرآن بخواند و اصلاً هم گناه نکند بالاتر است. میدانید برای چه؟ برای این که گاه یک لحظه تفکر، زندگی انسان را متحول می کند. و باعث میشود سیر زندگی، اندیشه و آینده او کاملاً عوض شود. چقدر انسان ها بودند که یک تلنگر به آنها خورد و یک لحظه به فکر رفتند و مسیر زندگی آن ها عوض شد؛ رسول خدا می فرمایند یک لحظه تفکر از یک سال عبادت بهتر است نه این که ثوابش بالاتر است دقیقاً به این معنا است.

• بشر حافی و یک لحظه تفکر و تغییر سرنوشت

بشر حافی است اهل موسیقی ورقص و این حرفها است از خانه اش صدای آواز حرامی می آید و امام کاظم هم دارند از کوچه او رد می شوند و کنیزی دارد این بشر آمد از خانه بیرون آمد و امام تا او را دیدند از او پرسیدند صاحب این خانه عبد است یا آزاد است؟ کنیز متوجه سوال حقیقی امام نشد و گفت صاحب این خانه عبد نیست و آزاد است. کسی که خانه اش این صدا می آید و کنیز دارد و غلام دارد معلوم است که آزاد است. امام سری تکان دادند و فرمودند: آری آزاد است که این طور اهل هر برنامه ای است. این کنیزک داخل خانه رفت و بشر از او پرسید چرا معطل شدی؟ گفت یک اقایی نورانی خیلی عجیب و غریب از من پرسید مالک و صاحبخانه آزاد است یا بنده است؟ و من هم گفتم معلوم است که آزاد است؛ غلام و کنیز دارد... این بشر حافی حقیقت بیان امام علیه السلام را فهمید و همان طور که روی تخت خود نشسته بود پابرنه فرصت نکرد کفش پا کند و نخواست کفش بپوشد؛ پا برهنه به دنبال امام علیه السلام رفت و گفت من غلامم؛ من عبدم؛ من آزاد نیستم؛ من بنده خدا هستم. ولذا از عرفای بزرگ شد و الان بعد 1300 سال نام او ماندگار شد؛ بشر حافی.

گاهی انسان یک تلنگر می خواهد؛ تلنگر انسان را به فکر وامیدارد و این تفکر قیمت ندارد.

هر کسی وقتی را باید در نظر بگیرد و فکر کند در اعمالی که انجام میدهد و فکر کند محاسبه کند.

هر کسی تفکر کند که کجای کار هستم چه کار میخوام بکنم این هایی را که پس انداز کردم چه به درد من میخورد یا به درد نمی خورد.

مراقبت در روز و محاسبه در شب و تفکر

تفکر روز و شب ندارد.

.....
خدایا ما را به معارف نورانی اسلام آشناتر بگردان

خدایا ما را اهل مراقبت و اهل حساب و تفکر قرار بده

خدایا ما را از موالیان از شیعیان و از محبان از اهل محبت و مودت اهل بیت عصمت و طهارت قرار بده.

سلامی به ابا عبدالله الحسین بدهیم

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و علی الائمة المعصومین و رحمة الله و بركاته .